

شناسایی الگوهای جوانان و نوجوانان و عوامل زمینه ای موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر شیراز)

نرگس عرب مقدم^۱

عباس گرگی^۲

بهنام جمشیدی^۳

راضیه شیخ الاسلامی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳۰

جوانان و نوجوانان در معرض الگوهای مختلفی قرار دارند که بررسی این الگوها، به شناسایی بهتر و دقیق تر وضعیت آنان کمک خواهد کرد. در این پژوهش پیمایشی، الگوهای انتخابی نوجوانان (۱۴-۱۸ سال) و جوانان (۱۹-۲۹ سال) دختر و پسر و نیز عوامل زمینه ای موثر بر آنها مورد بررسی قرار گرفت. در بین نظریه‌های روانشناسی، رویکرد یادگیری شناختی- اجتماعی بندورا تبیین قابل توجهی از روند الگوپذیری ارائه می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل نوجوانان و جوانان شهر شیراز بود. حجم نمونه، با استفاده از جدول لین، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پایایی ۳ درصد، ۸۹۵ نفر از جوانان و نوجوانان ۱۴-۲۹ سال برآورد گردید که افراد براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور بررسی اولویت‌های الگوهای جوانان و نوجوانان، از پرسشنامه محقق ساخته با ۲۶ عنوان الگوهای داخلی و خارجی استفاده شد. پس از بازنگری پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه و مشاور طرح، پرسشنامه در سطح شهر توزیع گردید.

براساس تحلیل عاملی، الگوها بر ۵ دسته تقسیم گردیدند که در مجموع ۶۰/۷۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کردند. نتایج نشان داد الگوهای انتخابی پاسخگویان به ترتیب عبارت‌اند از: اعضای خانواده؛ الگوهای علمی- ادبی؛ دوستان- آشنایان؛ الگوهای اجتماعی و الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای. ضریب آلفای کرونباخ برای الگوهای اجتماعی ۰/۹۰، الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای ۰/۸۴، الگوهای

E-mail: narabmoghaddam@yahoo.com

^۱ - استادیار، پژوهش، جهاد دانشگاهی فارس (نویسنده مسئول)

^۲ - دکترای جامعه شناسی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

^۳ - دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

^۴ - دانشیار، روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

علمی-ادبی ۰/۸۶، الگوهای خانوادگی ۰/۷۱ و الگوهای دوستان-آشنایان ۰/۴۹ می‌باشد. بر اساس نتایج، تفاوت‌هایی میان دو گروه سنی جوان و نوجوان و نیز جنسیت مشاهده گردید. عوامل زمینه‌ای سطح تحصیلات فرد، درآمد خانواده، وضعیت تاهل، منزلت شغلی پدر و تحصیلات مادر نیز برانتخاب نوع الگوها تأثیرگذار بودند.

واژگان کلیدی: الگوهای نوجوانان، الگوهای جوانان، الگوهای دختران، الگوهای پسران و عوامل

زمینه‌ای

بیان مسئله

الگوها و الگوبرداری در هر جامعه ای به عنوان یک فرآیند مهم در جامعه‌پذیری مطرح است. از طریق این فرآیند، شخص در طول حیات خویش تمام یا قسمتی از عناصر اجتماعی - فرهنگی محیط خود را می‌گیرد، درونی می‌سازد و ساخت شخصیت خود را تحت تاثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنی‌دار یگانه می‌سازد تا خود را با محیط تطبیق دهد. بندورا (۱۹۷۷) اصطلاح الگوبرداری را شامل یک دسته دگرگونی‌های رفتاری، شناختی و عاطفی می‌داند که از راه مشاهده یک یا چند الگو حاصل می‌شود. اهمیت نقش الگوهای مثبت در رشد هویت فردی، سلامت روانی و پیشرفت و ترقی در جنبه‌های مختلف زندگی را می‌توان در برخی از پژوهش‌ها یافت. از طرف دیگر، نقش الگوهای منفی در افزایش رفتارهای بزهکارانه و جرم و جنایت نیز از جمله موضوعاتی است که نظر بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب کرده است.

افراد در مواجهه با الگوهای مختلف به یک اندازه متأثر نمی‌گردند، همه از یک الگو تبعیت نمی‌کنند و برخی الگوهای متناسب با ارزش‌های جامعه و برخی در تضاد با استانداردهای جامعه انتخاب می‌کنند، و همچنین، فرایند الگوبرداری افراد با توجه به دوران‌های مختلف رشد، جنسیت، عوامل جمعیت‌شناختی و بسیاری عوامل دیگر متفاوت می‌باشد.

یکی از دوره‌های رشدی، دوره نوجوانی و جوانی است. الگوهای نوجوانان و جوانان به دلیل تغییرات سریع جامعه، بسیار پیچیده و متنوع شده است. به نظر می‌رسد جوان و نوجوان امروزی - چه دختر و چه پسر - برغم اینکه جامعه ما از الگوهای بسیار غنی بهره می‌برد، چنان در معرض بمباران الگوهای مختلف و اغلب نامتناسب با شئون فرهنگی و اجتماعی قرار دارد که انتخاب الگوی مناسب، خود به منبعی از تعارض و تردید بدل گردیده است. فرایند جهانی شدن، بسیاری از الگوهای فرهنگ ملی را نشانه رفته و نسل جدید را با الگوبرداری نوین مواجه ساخته است. گسترش وسایل ارتباط جمعی، ماهواره، اینترنت و... همه و همه در ارائه الگوهای تازه به نسل جدید بسیار مؤثر بوده و نمودهای فرهنگی مدرن را در میان جوانان و نوجوانان بیشتر از هر دوره دیگر متجلی ساخته است.

با این حال با وجود اهمیت موضوع، اغلب اطلاعات ما در مورد الگوها تنها محدود به عده معدودی از جوانان و نوجوانان است که با انتخاب الگوهای نامتعارف و نامتداول، توجه منفی همگان را برمی‌انگیزند؛ به طوری که می‌توان گفت در مورد الگوهای انتخابی اغلب جوانان و نوجوانان کشور اطلاعات کمی در

دسترس قرار دارد، و بویژه پیرامون الگوهای جوانان و نوجوانان شهر شیراز اطلاعات بسیار محدودتر است. بنابر این در این مقاله در صدد شناخت الگوهای انتخابی جوانان و نوجوانان هستیم، زیرا دوره رشدی جوانی و نوجوانی، از دوره های حساس زندگی انسان محسوب می شوند. در این دوره است که افراد ورود به جامعه کلان را تجربه می کنند و شخصیت آنها از طریق الگوهایی که با آنان مواجه اند، در حال شکل گیری است. پرداختن به الگوهای این دوره های رشدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا جامعه ایران جامعه جوانی است و که درصد زیادی از جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند و نوع رفتار و الگوهای آنان بیانگر میزان اهمیت و توجه به ارزش های جامعه است.

انتخاب الگوها علاوه بر اینکه تحت تاثیر دوره های رشدی جوانی و نوجوانی است و تفاوت های الگوهای جوانان و نوجوانان را نوجیه می کند، می تواند تحت تاثیر جنسیت نیز باشد؛ بدین معنا که احتمال دارد الگوهای انتخابی دختران و پسران متفاوت باشند. با توجه به موارد فوق سوالی که در این مقاله مطرح است این است که دختران و پسران جوان نوجوان چه الگوهایی را انتخاب می کنند؟ آیا تفاوتی میان این دو رده سنی و نیز جنسیت آنان وجود دارد؟

پژوهش های محدود انجام شده در کشور ما و نیز تحقیقات خارج از کشور، نشان می دهد، عوامل متعددی می تواند بر انتخاب نوع الگوها تاثیر گذار باشد، آنچه در این مقاله مورد توجه قرار می گیرد عوامل زمینه ای است با این پیش فرض که بندورا معتقد است موقعیت اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوها تاثیر می گذارد. بنابر این سوال بعدی که به ذهن متبادر می گردد این است که آیا برخی عوامل زمینه ای همچون تحصیلات فرد و خانواده، وضعیت تاهل و درآمد فرد یا خانواده بر انتخاب الگوهای جوانان و نوجوانان تاثیر گذار است یا نه؟ بدیهی است که شناخت تاثیر این عوامل ما را در جهت شناسایی الگوهای قشرهای مختلف کمک می کند.

در مجموع، روشن نمودن این موضوع که چه شخصیت ها و چه الگوهایی تأثیر بیشتری بر جوانان و نوجوانان دارند و نیز شناخت عوامل موثر بر انتخاب نوع الگوها، از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، چرا که به نوبه خود علاوه بر شناسایی بهتر و دقیق تر وضعیت نوجوانان و جوانان، می تواند نگرش ها، ارزش ها و حتی معیارهای جوانان را روشن نماید و عوامل موثر بر آن را نمایان سازد و در پیش بینی بهتر تحولات جامعه و افراد تاثیر گذار باشد.

کاربرد بسیار ارزشمند اینگونه تحقیقات نیز می تواند در بهبود وضعیت الگوهای رفتاری، تحصیلی، اجتماعی و ... جوانان و نوجوانان از طریق کمک به ارائه الگوهای مطلوب موثر باشد تا بدین وسیله، ارزش‌هایی که جامعه برای رسیدن به اهداف خود به آنها نیاز حیاتی دارد، در دراز مدت نهادینه شود. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش تلاش گردید تا ضمن شناسایی الگوهای انتخابی نوجوانان و جوانان، عامل جنسیت و نیز برخی از عوامل زمینه‌ای همچون وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد فرد یا خانواده مورد توجه قرار گیرد.

بدین ترتیب، هدف کلی این پژوهش، بررسی الگوهای جوانان و نوجوانان شهر شیراز و اهداف جزئی به قرار زیر می باشد:

- شناسایی الگوهای گروه سنی جوانان و نوجوانان و مقایسه آنها با هم؛

- شناسایی تفاوت های جنسیتی در انتخاب الگوها؛

- تعیین تاثیر ویژگی‌های زمینه‌ای (وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد) بر انتخاب الگوها.

ادبیات پژوهش

تقریباً همه جامعه‌شناسان و روانشناسان ضمن تأکید بر نقش الگوپذیری در فرایند ساخت شخصیت فرد و رفتارهای او، منابع الگوپذیری را در جامعه امروزی خانواده، گروه همسال، سیستم آموزشی، دیگران مهم، نظام فرهنگی جامعه و رسانه‌های جمعی می‌دانند. تأثیر این منابع در همه دوره‌های زندگی بخصوص دوره نوجوانی و جوانی به دلیل وجود روابط و مناسبات همیشگی و مداوم بین فرد و جامعه طبیعی است.

در بین نظریه‌های روانشناسی، رویکرد یادگیری شناختی- اجتماعی بندورا(یادگیری مشاهده ای) روند الگوپذیری را به خوبی تبیین می کند. بندورا الگوپرداری را جریان مداومی می‌داند که براساس آن رفتارهای جدید آموخته می‌شود(۱۹۷۳). از نظر بندورا، یادگیری از طریق الگوهای واقعی یا مصداقی - معمولاً والدین، خانواده، دوستان و برخی افراد مهم دیگر همچون: افراد فامیل، معلمان و نظایران- در جامعه صورت می‌گیرد. در تربیت فرزندان توجه زیادی به استفاده والدین از الگوهای مصداقی شده است که از

طریق توصیف کلامی یا تصویری صورت می‌گیرد و یا اگر رفتار یک الگو برای فرد شناخته شده باشد به الگو و یا بعضی از خصوصیات آن ارجاع داده می‌شود (بندورا و والترز، ۱۹۶۴).

گرچه الگوهای واقعی نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند، ولی امروزه با توجه به گسترش فناوری و وسایل صوتی و ارتباطات گسترده، الگوهای نمادین بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بندورا معتقد است یکی از منابع نافذ در یادگیری مشاهده‌ای، فراوانی و گوناگونی الگوهای نمادین از سوی تلویزیون، سینما و دیگر رسانه‌های گروهی است. بدیهی است که مخاطبان، بسیاری از انگیزش‌ها، پاسخ‌های هیجانی و شیوه‌های جدید رفتاری را از طریق الگوهای تلویزیونی و سینمایی فرا می‌گیرند (بندورا، ۱۳۷۲).

از نظر بندورا، فرایند الگوپذیری در دوره‌های مختلف رشد متفاوت می‌باشد؛ بدین معنی که در سال‌های اولیه رشد، الگوپذیری کودکان تا حدود زیادی به تقلید آنی و فوری محدود است (شولتز و شولتز، ۱۳۷۹)، اما از دوره نوجوانی، فرایند الگوپذیری به صورت متفاوتی انجام می‌پذیرد که در قالب آن امکان ترکیب عناصر رفتاری از چند الگوی مختلف و ایجاد رفتار جدید و بعضاً خلاقانه‌ای از سوی مشاهده‌کننده وجود دارد (بندورا و والترز، ۱۹۶۴؛ هرگنهان و السون، ۱۳۷۹). به طور کلی، در سنین نوجوانی و جوانی الگوپذیری جنبه وسیعی را دربرمی‌گیرد و علاوه بر اعضای خانواده و همسالان، معلمان، قهرمانان، اسطوره‌ها، شخصیت‌های مذهبی، هنرپیشه‌ها، خوانندگان، ورزشکاران و نظایران را شامل می‌شود. جوانان و نوجوانان از میان الگوهای فوق بر بعضی بیشتر تاکید می‌کنند. در این پژوهش برای شناخت بیشتر وضعیت الگویی جوانان در صدد برآمدیم تا الگوهای جوانان و نوجوانان را مورد بررسی قرار دهیم.

همچنین به عقیده بندورا، میزان تاثیر پذیری افراد از الگوها با توجه به برخی از عوامل متفاوت است. از نظر او ویژگی‌های شخص مشاهده‌کننده - مانند سن، جنس - تا حد زیادی میزان الگوپذیری افراد را محدود و یا گسترش می‌دهد (بندورا، ۱۳۷۲؛ بندورا و والترز، ۱۹۶۴) و معمولاً انتخاب نوع الگوها و میزان تاثیر پذیری از الگوها در میان دختران و پسران و در گروه‌های سنی جوانان و نوجوانان متفاوت است. همچنین عوامل اجتماعی-اقتصادی از عواملی است که می‌تواند در نوع انتخاب الگوها و میزان تاثیر پذیری از آنان دخالت کنند. عوامل مذکور به منظور بررسی تاثیر آنها بر انتخاب الگوها، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

تحقیقات مختلفی در مورد الگوپذیری و انتخاب الگوها صورت گرفته است. لطیفیان (۱۳۷۳) در بررسی نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال دریافت که والدین، معلمان، دوستان، شخصیت‌های مذهبی، دانشمندان، قهرمانان داستان یا شخصیت‌های تاریخی، هنرپیشگان، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و صنعتگران به ترتیب بیشترین تأثیر را به عنوان الگو داشته‌اند. نتایج تحقیق دیره (۱۳۷۵) نیز حاکی از آن بود که نوجوانان در برخی جنبه‌ها از والدین و در برخی دیگر از گروه دوستان تأثیرپذیری بیشتری دارند. یادگارزاده در تحقیقی در زمینه نحوه الگوگزینی اجتماعی-فرهنگی جوانان شهر همدان، عمده‌ترین الگوهای انتخاب شده از سوی جوانان را الگوهای مذهبی و پس از آن الگوهای ورزشی و هنری می‌داند. در این پژوهش، ارتباط معنی‌داری بین میزان تحصیلات فرد و انتخاب نوع الگوها وجود داشت (یادگارزاده، ۱۳۷۹). در ارتباط با نوع الگوهای انتخابی در پژوهشی پیرامون دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در تهران، مهم‌ترین الگوی دانش‌آموزان به ترتیب: الگوهای خانوادگی، گروه همسالان، معلمان، الگوهای مذهبی، علمی، ادبی، سیاسی، و ورزشی گزارش گردید (روایی، ۱۳۷۸).

در بین مطالعات خارجی، گالبو و دمترولیاس^۱ (۱۹۹۶) دریافتند که بیشتر دانشجویان تحت بررسی آنان، والدین و خویشاوندان نزدیک خود را به عنوان الگو معرفی کردند و معلمان و دوستان در رده‌های بعدی قرار داشتند. در بررسی دراموند و همکارانش مشخص شد که نوجوانان از میان الگوهای متعدد، بیشتر ورزشکاران، مادران و خوانندگان را به عنوان سه الگوی مهم خود انتخاب کردند. دراموند و همکارانش رابطه معنی‌داری بین سن و جنسیت با انتخاب الگوها یافتند؛ بدین معنا که هر چه سن بالاتر بود، مادران کمتر به عنوان الگو انتخاب می‌شدند و نوجوانان دوستان خود را به عنوان الگو انتخاب می‌کردند. همچنین پسران، ورزشکاران و دختران، خوانندگان را به عنوان الگو ترجیح می‌دادند (دراموند، سنترفیت و فانتین^۲، ۱۹۹۹). دانگ و چانگ^۳ (۲۰۰۰) در یک مطالعه تطبیقی با تفکیک گرایش افراد نسبت به الگوها در دو کشور چین و هنگ‌کنگ نشان دادند که بین میزان تحصیلات افراد، مکان زندگی و وضعیت طبقاتی آنان با گرایش به الگو و تبعیت از آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. یانسی و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که الگوهای نوجوانان به ترتیب والدین، ورزشکاران و سپس خواهران و برادران و خوانندگان بوده‌اند. پسران بیشتر از دختران به الگوهای معرفی شده از سوی رسانه‌های جمعی توجه داشتند و نوجوانان با سطح درآمد

^۱ Galbo & Demetrulias

^۲ Drummond, Senterfitt & Fountain

^۳ Dong & Cheung

بالا کمتر از این نوع الگوها یاد می‌کردند. یانسی و همکاران (۲۰۱۱) نیز دریافتند که نوجوانان امریکایی با سطح درآمد بالا بیشتر از نوجوانان کم درآمد به الگوبرداری ازالگوهای مختلف در زندگی خود توجه می‌کنند.

با توجه به اینکه مستندات پژوهشی و علمی خاصی که بتواند جهت فرضیه‌ها را مشخص کند، موجود نیست و نتایج پژوهش‌ها در زمینه الگوها متناقض به نظر می‌رسد، در اینجا به طرح سوالات پژوهش اکتفا می‌شود و از بیان فرضیات خودداری می‌شود. با توجه به آنچه تا بحال گفته شد سوالات پژوهش عبارت‌اند از:

- جوانان و نوجوانان دختر و پسر کدام الگوها را بیشتر انتخاب می‌کنند؟

- آیا متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و درآمد) پیش بین معنی‌داری بر انتخاب نوع الگوها می‌باشد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی انجام شد و شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی و ابزارگردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری این تحقیق جوانان و نوجوانان ۱۴-۲۹ ساله شهر شیراز بود. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ کل این افراد ۶۳۹۴۹۶ نفر می‌باشد. این تحقیق، سن ۱۴ تا ۱۸ سال به عنوان دوره نوجوانی و ۱۹ تا ۲۹ به عنوان دوره جوانی در نظر گرفته شد. حجم نمونه این تحقیق، طبق جدول لین (۱۹۷۶) برای جمعیت بالای ۵۰۰۰۰۰ نفر با ۳ درصد خطای نمونه‌گیری و ۹۵ درصد اطمینان ۸۹۵ نفر برآورد گردید که تعداد ۹۰۰ پرسشنامه توزیع شد و در نهایت، ۸۷۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی بود. از این رو، مناطق مختلف شهر شیراز انتخاب و از هر منطقه، چند بلوک بر اساس تصادف برگزیده شدند. آنگاه افراد نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک با رعایت فاصله منظم بین منازل (فاصله ۲ واحدی) مورد پرسش قرار گرفتند.

به منظور کسب اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. به جز سؤالاتی که شامل اطلاعات در مورد مشخصات و برخی از متغیرهای زمینه‌ای می‌شد، فهرستی ازالگوهای متداول براساس مطالعات پیشین و مطالعه اکتشافی تهیه گردید. این الگوها شامل والدین، خواهران، برادران،

هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی، آموزگاران، شخصیت‌های مذهبی ایرانی و غیرایرانی، شخصیت‌های انقلابی، دانشمندان ایرانی و غیرایرانی و نظایر آن بود. در نهایت، پس از بازنگری پرسشنامه توسط دو تن از اساتید دانشگاه و مشاور طرح، پرسشنامه نهایی این تحقیق در قالب ۲۶ الگو، در یک طیف لیکرتی ۶ درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم، و اصلاً) تهیه و تنظیم گردید. از افراد خواسته شده بود تا مشخص کنند تا چه حد از مقوله‌های شخصیتی فوق به عنوان الگوی خود استفاده می‌کنند.

در این پژوهش از تحلیل عاملی جهت بررسی روایی پرسشنامه الگوها استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس حاکی از آن بود که انواع الگوها را می‌توان به پنج گروه‌کاهش داد. این عوامل به ترتیب عبارت بودند از: ۱- شخصیت‌های اجتماعی (شامل شخصیت‌های انقلابی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و تاریخی ایرانی و غیر ایرانی). ۲- شخصیت‌های هنری- ورزشی- افسانه‌ای؛ ۳- شخصیت‌های علمی- ادبی؛ ۴- اعضای خانواده؛ ۵- دوستان- آشنایان. این پنج عامل در مجموع ۶۰/۷۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کردند. در ضمن، مقدار KMO برای کفایت نمونه ۰/۸۹ بود و آزمون بارتلت نیز در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار بود. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای گروه‌های پنج‌گانه الگوها به قرار زیر بود: الگوهای اجتماعی ۰/۹۰، الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای ۰/۸۴، الگوهای علمی- ادبی ۰/۸۶، الگوهای خانوادگی ۰/۷۱ و الگوهای دوستان- آشنایان ۰/۴۹.

یافته‌های پژوهش

از میان ۸۹۵ پرسشنامه، تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس ۸۷۱ پرسشنامه صورت گرفت. از این تعداد، برخی به علت تکمیل نبودن پرسشنامه از تحلیل حذف گردیدند. تعداد پرسشنامه‌ها بر حسب جنس و گروه سنی جوان و نوجوان در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: تعداد پاسخگویان بر حسب جنس و گروه سنی

گروه	دختر	پسر	کل
نوجوان	۱۹۰	۲۶۱	۴۵۱
جوان	۱۶۱	۲۵۹	۴۲۰
کل	۳۵۱	۵۲۰	۸۷۱

یافته‌های پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده برای هر کدام از سوالات پژوهش گزارش می شود:

۱. جوانان و نوجوانان دختر و پسر کدام الگوها را بیشتر انتخاب می کنند؟

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیر انواع الگوها به تفکیک گروه سنی (جوانان و نوجوانان) و جنسیت (دختران و پسران) را نشان می دهد:

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد الگوهای نوجوانان و جوانان به تفکیک جنسیت

دوستان- آشنایان	علمی- ادبی	هنری- ورزشی- افسانه‌ای	خانواده	اجتماعی	الگوها	
$\bar{X}=3/38$ SD=1/13	$\bar{X}=3/44$ SD=1/27	$\bar{X}=3/16$ SD=1/28	$\bar{X}=4/05$ SD=0/99	$\bar{X}=2/73$ SD=1/17	پسر	نوجوان
$\bar{X}=3/48$ SD=1/18	$\bar{X}=3/58$ SD=1/31	$\bar{X}=2/58$ SD=1/15	$\bar{X}=4/16$ SD=1/03	$\bar{X}=2/7$ SD=1/05	دختر	
$\bar{X}=3/44$ SD=1/16	$\bar{X}=3/52$ SD=1/29	$\bar{X}=2/82$ SD=1/24	$\bar{X}=4/12$ SD=1/01	$\bar{X}=2/71$ SD=1/1	کل	
$\bar{X}=3/23$ SD=1/14	$\bar{X}=3/65$ SD=1/3	$\bar{X}=2/67$ SD=1/09	$\bar{X}=3/96$ SD=1/15	$\bar{X}=2/82$ SD=1/1	پسر	جوان
$\bar{X}=3/14$ SD=1/19	$\bar{X}=3/37$ SD=1/4	$\bar{X}=2/38$ SD=1/11	$\bar{X}=4/05$ SD=1/03	$\bar{X}=2/73$ SD=1/16	دختر	
$\bar{X}=3/17$ SD=1/17	$\bar{X}=3/47$ SD=1/37	$\bar{X}=2/48$ SD=1/11	$\bar{X}=4/02$ SD=1/07	$\bar{X}=2/76$ SD=1/14	کل	
$\bar{X}=3/31$ SD=1/14	$\bar{X}=3/54$ SD=1/28	$\bar{X}=2/93$ SD=1/22	$\bar{X}=4/01$ SD=1/07	$\bar{X}=2/77$ SD=1/14	پسر	کل
$\bar{X}=3/31$ SD=1/20	$\bar{X}=3/47$ SD=1/36	$\bar{X}=2/48$ SD=1/33	$\bar{X}=4/01$ SD=1/03	$\bar{X}=2/72$ SD=1/11	دختر	
$\bar{X}=3/31$ SD=1/17	$\bar{X}=3/50$ SD=1/33	$\bar{X}=2/65$ SD=1/19	$\bar{X}=4/07$ SD=1/04	$\bar{X}=2/74$ SD=1/12	کل	

با توجه به ردیف آخر جدول، آزمودنی‌های این تحقیق به ترتیب از: ۱- اعضای خانواده؛ ۲- الگوهای علمی- ادبی. ۳- دوستان- آشنایان؛ ۴- الگوهای اجتماعی؛ ۵- الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای بیش‌ترین الگوبرداری را داشته‌اند. از طرفی، تفاوت‌هایی میان الگوهای دو گروه سنی به تفکیک جنسیت مشاهده می شود. در گروه نوجوانان، پسران در مقایسه با دختران از خانواده، دوستان، بستگان و الگوهای

علمی- ادبی کمتر الگو می‌گیرند و از سایر انواع الگوها توجه بیشتری نشان می‌دهند. این امر به ویژه در مورد الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای بیشتر به چشم می‌خورد. در گروه جوانان، پسران در مقایسه با دختران تنها از اعضای خانواده کمتر الگو می‌گیرند و به سایر انواع الگوها بیش از دختران توجه نشان می‌دهند. همچنین، به نظر می‌رسد میزان الگوگیری پسران جوان از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای در مقایسه با نوجوانان کمتر شده و به میزان الگوپذیری دختران از الگوهای فوق نزدیک تر شده است. با این حال، تفاوت میان دختران و پسران نوجوان از نظر میزان الگو برداری از انواع الگوها از طریق اجرای آزمون تی مستقل مورد بررسی قرارگرفت. طبق جدول ۳، نتایج آزمون تی مستقل حاکی از آن بود که درگروه نوجوانان، پسران تنها در الگو برداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای به طور معنی‌داری بالاتر از دختران هستند.

جدول ۳: آزمون تی مستقل برای مقایسه دختران و پسران نوجوان از نظر میزان الگو برداری از انواع الگوها

انواع الگوها	جنسیت	N	\bar{x}	SD	T	DF	P≤
اجتماعی	پسر	۱۶۸	۲/۶۶	۱/۱۳	۰/۳۶	۴۱۳	۰/۷۲
	دختر	۲۴۷	۲/۷	۱/۰۷			
خانواده	پسر	۱۴۸	۴/۰۷	۰/۹۹	۰/۶۸	۳۵۱	۰/۴۹
	دختر	۲۰۵	۴/۱۵	۱/۰۴			
دوستان- آشنایان	پسر	۱۷۹	۳/۳۷	۱/۱۴	۰/۱۲	۳۸۵/۳۸	۰/۹
	دختر	۲۵۵	۳/۳۸	۱/۱۵			
هنری- ورزشی- افسانه‌ای	پسر	۱۷۶	۳/۱۱	۱/۲۶	۴/۶۰	۴۲۴	۰/۰۰۰۱
	دختر	۲۵۰	۲/۵۶	۱/۱۵			
علمی- ادبی	پسر	۱۷۰	۳/۴۳	۱/۲۴	۱/۴۵	۴۲۰	۰/۱۵
	دختر	۲۵۲	۳/۶۲	۱/۳۴			

جدول ۴، نتایج مربوط به دختران و پسران جوان را نشان می‌دهد. نتایج آزمون تی مستقل درگروه جوانان حاکی از آن بود که پسران هم در الگو برداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای و هم در الگو برداری از الگوهای علمی- ادبی به صورت معنی‌داری بالاتر از دختران هستند.

جدول ۴: آزمون تی مستقل برای مقایسه دختران و پسران جوان از نظر میزان الگوبرداری از انواع الگوها

انواع الگوها	جنسیت	N	\bar{x}	SD	T	DF	P≤
اجتماعی	پسر	۱۴۳	۲/۷۳	۱/۱۲	۰/۴۳	۳۰۶/۷۳	۰/۶۷
	دختر	۲۳۶	۲/۶۸	۱/۱۶			
خانواده	پسر	۱۳۰	۳/۹۹	۱/۱۹	-۰/۳۳	۳۴۸	۰/۷۴
	دختر	۲۲۰	۴/۰۳	۱/۰۶			
دوستان- آشنایان	پسر	۱۵۲	۳/۳۱	۱/۱۷	۱/۰۹	۳۹۵	۰/۲۸
	دختر	۲۴۵	۳/۱۷	۱/۱۸			
هنری-ورزشی- افسانه‌ای	پسر	۱۴۷	۲/۶۵	۱/۱۷	۲/۱۰	۳۸۳	۰/۰۴
	دختر	۲۳۸	۲/۴	۱/۱۳			
علمی- ادبی	پسر	۱۴۹	۳/۶۳	۱/۳۵	۲/۰۷	۳۸۹	۰/۰۴
	دختر	۲۴۲	۳/۳۳	۱/۴			

۲. آیا متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، شاغل بودن، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر و مادر و درآمد)

پیش بین معنی داری بر انتخاب نوع الگوها می باشد؟

برای بررسی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای بر میزان الگوبرداری افراد از گروه‌های مختلف الگوها، تنها آن دسته از متغیرهایی که در ماتریس همبستگی رابطه معنی‌داری داشتند، انتخاب و از طریق آزمون‌های آماری مناسب بررسی گردیدند.

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، بین الگوهای خانوادگی و درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر رابطه وجود داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه‌ای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از اعضای خانواده" از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. براساس جدول ۵، متغیرهای درآمد خانواده (B-۰/۱۱) و تحصیلات خود فرد (B-۰/۰۹) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از اعضای خانواده بودند؛ چنانکه با افزایش در سطح تحصیلات فرد و درآمد خانواده یا افزایش پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، میزان الگوبرداری از اعضای خانواده کاهش می‌یافت. در ضمن تحصیلات مادر پیش‌بین معنی‌داری برای متغیر ملاک نبود.

جدول ۵: رگرسیون برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای و میزان الگوبرداری از اعضای خانواده

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ²	P \leq
۱ درآمد خانواده	-۰/۳۳	۰/۱۱	-۰/۱۱	۱۷/۳۴	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۳
۲ درآمد خانواده	-۰/۲۷	۰/۱۱	-۰/۰۹	۱۹/۱	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۲
تحصیلات فرد	-۰/۱۶	۰/۰۷	-۰/۰۹				

بر اساس نتایج مربوط به ماتریس همبستگی، فقط وضعیت تاهل آزمودنی‌ها با میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیر زمینه ای وضعیت تاهل با انتخاب الگوهای علمی- ادبی" از آزمون تی مستقل (جدول ۶) استفاده گردید؛ بدین معنی که برای مقایسه آزمودنی‌های متأهل و مجرد از نظر میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی، آزمون تی برای نمونه‌های مستقل مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که بین آزمودنی‌های مجرد و متأهل در بعد مذکور تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، آزمودنی‌های مجرد به میزان بیشتری از الگوهای علمی- ادبی الگوبرداری می‌کنند.

جدول ۶: آزمون تی مستقل برای مقایسه آزمودنی‌های متأهل و مجرد از نظر میزان الگوبرداری از الگوهای علمی- ادبی

وضعیت تاهل	N	\bar{x}	SD	T	DF	P \leq	متغیر وابسته
مجرد	۶۴۰	۱۴/۳۴	۵/۳۲	۳/۱۶	۸۰۶	۰/۰۰۲	الگوهای علمی- ادبی
متأهل	۱۶۸	۱۲/۸۸	۵/۴۱				

بر اساس نتایج مربوط به ماتریس همبستگی، متغیرهای سن و منزلت شغلی پدر آزمودنی‌ها با میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای سن و منزلت شغلی پدر با میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان"، از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید (جدول ۷). نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که متغیرهای سن (۰/۱۱-) و منزلت شغلی پدر ($B=-۰/۰۹$) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از دوستان- آشنایان بود. میزان الگوبرداری از دوستان- آشنایان با افزایش سن، کاهش و با افزایش منزلت

۱- منزلت شغلی به رتبه ای اطلاق می‌شود که بر اساس پرسشنامه رتبه بندی مشاغل (مقدس، ۱۳۷۴) برای شغل افراد محاسبه گردید.

شغلی پدر، افزایش می‌یافت. درصد واریانس تبیین شده به وسیله مدل با اضافه شدن متغیر منزلت شغلی، به میزان ۱ درصد افزایش یافت.

جدول ۷: رگرسیون برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای و میزان الگوبرداری دوستان - آشنایان

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ²	P≤
۱ سن (به سال)	-۰/۳۳	۰/۱۱	-۰/۱۱	۷/۹۶	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰۲
۲ سن (به سال) منزلت شغلی پدر	-۰/۲۷ -۰/۱۶	۰/۱۱ ۰/۰۷	-۰/۰۹ -۰/۰۹	۷/۵۳	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۰۲

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، متغیرهای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی" از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. طبق جدول ۸، متغیرهای درآمد خانواده ($B = -۰/۱۵$)، تحصیلات خود فرد ($B = -۰/۱۲$) و تحصیلات مادر ($B = -۰/۰۹$) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای اجتماعی بودند؛ به طوری که افزایش در این متغیرها، با کاهش در متغیر یاد شده همراه بود. در ضمن تحصیلات پدر پیش‌بین معنی‌داری برای متغیر ملاک نبود.

جدول ۸: رگرسیون قدم به قدم برای بررسی رابطه متغیرهای زمینه ای با میزان الگوبرداری از الگوهای اجتماعی

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ²	P≤
۱ درآمد خانواده	-۱/۰۹	۰/۲۷	-۰/۱۵	۳۰/۴۲	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۰۰۱
۲ درآمد خانواده تحصیلات خود فرد	-۰/۹ -۰/۵۴	۰/۲۷ ۰/۱۷	-۰/۱۲ -۰/۱۲	۳۶/۶۷	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۰۰۱
۳ درآمد خانواده تحصیلات خود فرد تحصیلات مادر	-۰/۶۹ -۰/۴۸ -۰/۲۶	۰/۲۹ ۰/۱۷ ۰/۱	-۰/۰۱ -۰/۱ -۰/۰۹	۳۷/۵۱	۰/۲۱	۰/۰۴۲	۰/۰۲

بر اساس نتایج ماتریس همبستگی، تنها متغیر سطح تحصیلات با الگوبرداری از الگوهای هنری - ورزشی - افسانه‌ای رابطه داشت. به منظور بررسی "رابطه متغیرهای زمینه ای با میزان

الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای"، از روش رگرسیون با ورود قدم به قدم استفاده گردید. نتایج این تحلیل که در جدول ۹ آمده است، حاکی از آن بود که تنها متغیر سطح تحصیلات ($B = -0/29$)، پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای بود. با افزایش میزان تحصیلات فرد، الگوبرداری از الگوهای فوق کاهش می‌یافت.

جدول ۹: رگرسیون برای رابطه متغیرهای زمینه‌ای با میزان الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای

مدل	B	SE	β	Constant	R	R ²	P \leq
۱	-۰/۸۵	۰/۱	-۰/۲۹	۲۶/۳۳	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۰۰۱

به طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیون‌های فوق نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات فرد و درآمد خانواده، میزان الگوبرداری از اعضای خانواده کاهش می‌یابد. آزمودنی‌های مجرد به میزان بیشتری از الگوهای علمی-ادبی الگوبرداری می‌کنند. میزان الگوبرداری از دوستان-آشنایان با افزایش سن، کاهش و با افزایش منزلت شغلی پدر، افزایش می‌یابد. متغیرهای درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد، و تحصیلات مادر به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای اجتماعی هستند؛ به گونه‌ای که افزایش در درآمد خانواده، تحصیلات خود فرد و تحصیلات مادر با کاهش در متغیر الگوبرداری از الگوهای اجتماعی همراه بوده است. همچنین تنها متغیر سطح تحصیلات، پیش‌بین الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای است؛ یعنی، با افزایش میزان تحصیلات فرد، الگوبرداری از الگوهای هنری-ورزشی-افسانه‌ای کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، الگوهای نوجوانان (۱۴-۱۸ سال) و جوانان (۱۹-۲۹ سال) و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر انتخاب الگوها مورد توجه قرار گرفت. یکی از نتایج عمده در این تحقیق، انتخاب الگوهای خانوادگی به عنوان اولویت نخست افراد می‌باشد. نتایج این پژوهش با نتایج لطیفیان (۱۳۷۳)، گالبو و دمترولیاس (۱۹۹۶) و یانسی و همکاران (۲۰۰۲) همسوست. این امر، بیانگر این است که تأثیر والدین بر افراد و تبعیت از رفتارها و ارزش‌های خانواده در این دوره نیز اغلب بر الگوهای خارج از خانواده برتری دارد (بندورا و والترز، ۱۹۶۴). هرچند اهمیت خانواده در شکل‌گیری شخصیت افراد غیرقابل انکار است، اما با توجه به تأکید اغلب متون روان‌شناسی

رشدی بر اهمیت گروه همسالان در سال‌های نوجوانی و جوانی، انتظار می‌رفت گروه‌های نوجوان و جوان، بیشتر از همسالان الگوبرداری داشته باشند. ولی به نظر می‌رسد در فرهنگ ایرانی، نقش خانواده در رشد نوجوانان و جوانان بسیار پر رنگ است. تأثیر والدین بر افراد حتی در طی سال‌های جوانی نیز که انتظار می‌رود افراد به استقلال نسبی از خانواده دست یافته باشند، هنوز هم محسوس است. نکته جالبی که در نتایج تحلیل اندازه‌گیری مکرر به چشم می‌خورد، این است که پاسخگویان بعد از خانواده، بیشترین الگوبرداری را از الگوهای علمی- ادبی داشته‌اند. با در نظر گرفتن این مطلب که الگوهای علمی- ادبی اغلب الگوهای نمادینی هستند که در کتب درسی معرفی شده‌اند، این یافته تلویحاً حاکی از اهمیت مدارس و مواد آموزشی به عنوان یکی از منابع الگوپذیری نوجوانان و جوانان می‌باشد.

در ادامه نتایج، ملاحظه گردید که میزان الگوبرداری از الگوهای مختلف تحت تأثیر جنسیت (دختر و پسر) و گروه سنی (نوجوان، جوان) قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که میزان الگوبرداری نوجوانان پسر از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای بیش از میزان الگوبرداری دختران نوجوان از الگوهای ذکر شده است. در بررسی یانسی و همکاران (۲۰۰۲) نیز نوجوانان پسر نسبت به دختران بیشتر به الگوهایی که معمولاً از طریق رسانه‌های جمعی معرفی می‌شوند، تمایل داشتند. برغم اینکه این تفاوت جنسیتی در دوره جوانی کاهش می‌یابد، اما پسران همچنان چنین الگوهایی را بیشتر انتخاب می‌کردند. گرایش بیشتر پسران به این الگوها می‌تواند ناشی از دو مسئله باشد: نخست آن که الگوهای ورزشی ارائه شده در رسانه‌های ایران، اغلب مرد هستند و طبعاً شباهت‌های جنسی و نقش‌های جنسیتی پسران با این الگوها موجب توجه و الگوبرداری بیشتر آنان می‌شود- در مورد هنرمندان نیز الگوبرداری دختران از هنرمندان زن که از طریق مبادی غیررسمی نظیر ماهواره ارائه می‌شوند، واکنش منفی اجتماعی را ایجاد خواهد نمود. بنابراین الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای در مجموع برای دختران جذابیت کمتری داشته است؛ دوم آن که پسران با ورود به دوره جوانی، بیشتر با واقعیات زندگی آشنا می‌شدند و مسئولیت‌های بیشتری را برعهده می‌گیرند. بنابراین، گرایش آن‌ها به الگوهای هنری- ورزشی- افسانه‌ای که اغلب آرمان‌گرایانه و غیرقابل دسترس هستند، کمتر می‌شود. نکته مهم دیگری که در این بخش از نتایج به چشم می‌خورد، این است که میزان الگوبرداری دختران جوان از الگوهای علمی- ادبی

به طور معنی داری کمتر از پسران است. تبیین احتمالی این پدیده می تواند این باشد که دختران با ورود به دوران جوانی، اغلب متأهل می شوند و پذیرش مسئولیت های خانوادگی سبب خروج الگوهای علمی- ادبی از کانون توجه آن ها می گردد. در تأیید این ادعا در یک تحلیل جانبی، نتایج آزمون خردی دو برای بررسی رابطه جنسیت و وضعیت تأهل در گروه جوانان حاکی از آن بود که تعداد دختران متأهل در گروه جوانان به گونه ای معنی داری بیش از پسران است. از طرفی، بررسی دقیق میانگین ها و نمودارهای تعاملی حاکی از آن است که بخشی از تفاوت های جنسیتی جوانان از نظر الگوهای علمی- ادبی ناشی از گرایش بیشتر پسران به این الگوهاست. مطالعات دراموند و همکارانش نیز بیانگر رابطه معنادار میان جنس و انتخاب الگوهاست (دراموند و همکاران، ۱۹۹۹).

بررسی تأثیر متغیرهای زمینه ای بر میزان الگوبرداری از گروه های مختلف الگوها در این طرح پژوهشی، جنبه دیگری بود که مورد توجه قرار گرفت. نتایج نشان داد هر چه سطح تحصیلات و درآمد خانواده افزایش می یابد، الگوبرداری از اعضای خانواده کمتر می شود. یکی از تبیین های احتمالی می تواند بدین نحو باشد که با افزایش سطح تحصیلات (که همسو با افزایش سن است) فرد به سمت استقلال نسبی از خانواده و سایر الگوهای تأثیرگذار سوق داده می شود. افزایش درآمد خانواده نیز نتایج تقریباً مشابهی داشته است و تأثیر درآمد خانواده بر کاهش الگوبرداری را نیز می توان با تأثیر احتمالی آن در افزایش استقلال مالی افراد توجیه کرد. همچنین تحصیلات فرد بر میزان الگوبرداری از الگوهای هنری- ورزشی- افسانه ای نیز مؤثر بود؛ هر چه تحصیلات فرد بیشتر شود، میزان الگوبرداری از الگوهای مذکور کمتر خواهد بود. یادگار زاده (۱۳۷۹) نیز تأثیر عواملی همچون تحصیلات فرد را بر انتخاب نوع الگوها مشاهده کرده است. از کل تحلیل می توان نتیجه گرفت که بالا رفتن تحصیلات بر انتخاب نوع الگوها تأثیر دارد و باعث می شود افراد اقبال کمتری به الگوهای اجتماعی، هنری- ورزشی- افسانه ای و خانوادگی داشته باشند و بطور کلی به نظر می رسد هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی (تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، میزان درآمد و رتبه شغلی) بالاتر باشد، الگوهای اجتماعی، هنری- ورزشی- افسانه ای، خانوادگی و دوستان- آشنایان کمتر انتخاب می شوند.

بنابراین باتوجه به اهمیت الگوها و نقش هدایت گر آن‌ها در زندگی حال و آینده، هر فرد در طول زندگی خویش تلاش می‌کند تا رفتارها و شیوه زندگی خود را با برخی از الگوهای مهم منطبق سازد. شناخت فرایند الگوپذیری از آن جهت اهمیت می‌یابد که این فرایند، نقش مهمی در روند هویت یابی و همچنین اجتماعی شدن فرد و انتقال ارزش‌ها در یک جامعه دارد. با توجه به این امر در مجموع یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که انتخاب نوع الگوها و میزان الگوبرداری از آن در بین نوجوانان و جوانان با وضعیت‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت یکسان نمی‌باشد.

همچنین، انتخاب الگوهای خانوادگی به عنوان اولین الگو از سوی جوانان و نوجوانان بیانگر اهمیت نقش خانواده در الگوپذیری است. بنابراین آموزش مستمر والدین و ارتقای سطح آگاهی‌های آنان به منظور کمک به فرزندان در رویارویی با الگوهای مختلف ضروری می‌باشد. از سویی ساختار سنی جوان جامعه و وجود طیف وسیعی از الگوهای مختلف، ارتقای دانش و مهارت‌های اجتماعی الگوپذیران را امری حائز اهمیت می‌سازد.

از بعد تحقیقی لازم است مشخص گردد جوانان و نوجوانان این شهر، ارزش‌های مطلوب - صداقت، صمیمیت، قانون‌مند بودن، متفکر بودن، احساس مسئولیت، پشتکار و نظایر آن - را از چه الگوهای دریافت می‌کنند. همچنین، بررسی تأثیر الگوهای مختلف (مثبت و منفی) بر رفتارهای الگوگیرنده نیز جنبه مهمی است که باید در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است که شناخت این نکته که از نظر جوانان الگوهای آنان باید چه ویژگی‌هایی باشد ما را در آگاهی هر چه بیشتر از نیازهای جوانان و نوجوانان به الگوبرداری یاری می‌دهد. بررسی راه‌ها، و مؤلفه‌ها و فرایندهایی که از طریق آن جوانان و نوجوانان تحت تأثیر الگو قرار می‌گیرند نیز می‌تواند در شناخت هرچه بهتر فرایند الگوبرداری نوجوانان و جوانان مؤثر واقع شود.

منابع

- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲) نظریه‌های یادگیری اجتماعی. فرهاد ماهر. شیراز: راهگشا
- دیره، عزت (۱۳۷۵) "بررسی تعیین کننده‌های هویت یابی و الگوگزینی در میان دانش آموزان دبیرستانی شهرستان شیراز و ارتباط با شیوه های فرزند پروری خانواده ها". معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی فارس.
- روایی، سلطنت (۱۳۷۸) "بررسی چگونگی الگوپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی.
- شولتز، دوان و شولتز، الن سیدنی (۱۳۷۹) نظریه‌های شخصیت. یحیی سید محمدی. تهران: نشر نی
- لطیفیان، مرتضی (۱۳۷۳) "بررسی برخی از مشکلات و مسائل گروهی از دانش‌آموزان نوجوان در شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۰، ۱، ۷۷-۱۰۰.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴) "منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران: مورد مطالعه شهر شیراز". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۰، ۲، ۶۵-۹۴.
- هرگنهان، بی.ار و السون، متیو.اچ. (۱۳۷۹) مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. علی اکبر سیف. تهران: نشر دوران
- یادگارزاده، غلامرضا (۱۳۷۹) " بررسی عوامل موثر بر نحوه الگوگزینی اجتماعی - فرهنگی جوانان در شهر همدان". فرهنگ همدان. سال پنجم، شماره ۲۳ و ۲۴.
- Bandura, A. (1997) **Self-efficacy: The exercise of control**. New York, W.H. Freeman & Company.
- Bandura, A. & Walters, R.H. (1964) **Social Learning and Personality Development**. Holt, Rinehart & Winston, Inc. New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood cliffs
- Bandura, A. (1973) **Aggression: A Social Learning Analysis**. New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood Cliffs

- Dong, Y. X. & Cheung, C.K. (2000) “**Selection of favorite idols and models among Chinese young people: A comparative study in Hong Kong.**” *International Journal of Behavioral Development.* 24, 91-98.
- Drummond, K.J., Senterfitt, H. & Fountain, C. (1999) “**Role models of urban minority students**”. *Psychological Reports.* 84 (1), 181-182.
- Galbo, J.J. & Demetrulias, D.M. (1996) “**Recollections of nonparental significant adults during childhood and adolescence**”. *Youth & Society.* 27, 4, 403-420.
- Hurd, N.M., Zimmerman, M.A.,& Reischl, T.M. (2011) “**Role model behavior and youth violence: A study of positive and negative effects**”.*The Journal of Early Adolescence.* 31, 2, 323-354.
- Line, Nan (1978) **Foundation of Social Research.** New York, McGraw Hill, Inc.
- Rhodes, J. E., Spencer, R., Keller, T. E., Liang, B.,& Noam, G. (2006) “**A model for the influence of mentoring relationships on youth development**”. *Journal of Community Psychology.* 34, 6,691–707.
- Saxby, H. L. (2010) **Theory critique of modeling androle-modeling.** University of Virginia, GCNL
- Sealy, R.H.V. & Singh, V. (2010) “**The Importance of role models and demographic context for senior women's work identity development**”. *International Journal of Management Reviews,*12, 3, 284-300.
- Yancey, A.K.,Siegel, J.M.,&McDaniel, K.L.(2002) “**Role models, ethnic identity, and health-risk behaviors in urban adolescents**”. *Arch Pediatr Adolesc Med,* 156, 55-61.
- Yancey, A.K., Grant, D., Kurosky, S., Kravitz-Wirtz, N., &Mistry, R. (2011).“**Role modeling, risk, and resilience in California adolescents**”. 48 (1),36-43.

Exploration of Role Models among Youths and Adolescents and Contextual Factors Affecting the Chosen Role Models (Case Study: Shiraz City)

Narges Arab-Moghaddam

Master degree in Psychology, Research Assistant Professor, Fars ACECR

Abass Gorgi

Ph.D. in Sociology

Behnam Jamshidy

Ph.D. Student, Educational Psychology Dept., Shiraz University

Raziyeh Sheikholeslami

Associate Professor, Educational Psychology Dept., Shiraz University

Received: 8 Feb. 2015

Accepted: 20 Jun. 2015

Youths and adolescents are exposed to different role models. Having information about types of role models that youth and adolescents choose, helps to more understanding about youth and adolescents situation in the society. This research was conducted to investigate the perceived significant role models of adolescents (14-18 years old) and youth (19-29 years old) to examine how much youths and adolescents are influenced by role models, and to figure out how these relate to contextual characteristics. Among different theoretical perspectives, Bandura's social-cognitive theory is the best theoretical base which is used in this research. Statistical population was adolescents and youths of Shiraz city. Sample size using Lin Table, with confidence level of 95% and validity of 3% was 895 of youths and adolescents which were randomly selected based on cluster sampling procedure. A questionnaire consisted of a list of 26 categories of role models had been used. Factor analysis was conducted for the 26 categories which explained 60.72 % of overall variance. The rotated component matrix resulted in 5 categories. The results showed that youths and adolescents chose family members as their first role models. Scientific-literary role models, friends-relatives and acquaintances role models, social role models and artistic-athletic-fictional role models were next, respectively. Cronbach's alpha for role models were as follows: Social role models 0.90, artistic-athletic-fictional role models 0.84, Scientific-literary role models

0.86, family members 0.71, and relatives and acquaintances role models 0.49. The results also showed that the sample differences were observed by age groups, sex, mother and person's education, family income, marital status, and father's socio-economic occupation status.

Keywords: Adolescents' Role Models, Youths' Role Models, Girls' Role Models, Boys' Role Models and Contextual Factors